

شب گیسوان من را
به سپیده ها کشاندی
ای ظهور هر چه خوبی
تو مرا کجا کشاندی

*

که به پرواز بخندم
به امید دل ببندم
سر به دیوار بکوبم
باز بر آینه خندم

*

صحبت از سایه عشق است
عشق دنیای عجیبی است
عشق همبازی جان است
عشق رویای غریبی است

*

و سکوت لحظه ها را
تو به جان من نهادی
ثانیه از تو خبر داد

پلک بر هم ننهادی

*

لحظاً تعبیر خواب است

پس از این سرگشتگی ها

دل تو عجب گرفته

انتقام واژه ها را

*

دل خونین من اما!

باز هم در تپش افتاد

باد از روی محبت

پیک قاصدک فرستاد

*

به فضای بی طنینم

گل قاصدک بر آشفتم

رفته ... اما باز گردد

گل قاصدک به من گفت!!

...

